

همیشه راهی هست...

بهاره کاظمی، مربی پیش دبستان ناحیه ۱

ما با حضور مهمان ناخوانده در خانه چه می‌کنیم؟ شاید با یک فنجان قهوه یا چای، سعی می‌کنیم فرصتی ایجاد کرده تا شناخت بهتری از هم پیدا کنیم و یا به‌وسیله راه‌های ارتباطی دیگر برای بهره‌مندی از هم و تعاملی مثبت تلاش کنیم. کووید ۱۹ همان مهمان ناخوانده‌ای است که قصد داریم رابطه مسالمت‌آمیزی با او برقرار کنیم و برای بهره‌مندی بهتر، یکدیگر را بپذیریم و در کنار هم باشیم.

در شرایط همه‌گیری کنونی کمتر خانه‌ای را می‌بینیم که با مساله آموزش دست به گریبان نباشد. چراکه طیف وسیعی از جمعیت ما را دانش‌آموزان، اساتید و معلمان تشکیل می‌دهند. قرار گرفتن در شرایط حاضر تجربه‌ای است که به گمانم تاریخ آن را از یاد نخواهد برد و در کنار خاطرات تلخ و سهمگین آن، دستاوردهایی چون تجربه آموزش فضای مجازی به‌صورت فراگیر می‌تواند مسیر جدیدی در آموزش را باز کند. البته این دوران با اضطراب‌هایی برای معلمان همراه شد که ناشی از عدم تسلط بر فضای مجازی، عدم آشنایی برخی ابزارهای کمک آموزشی مربوطه مانند نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌ها، چگونگی تدریس در فضای مجازی، عدم اطمینان از اثربخش بودن آموزش‌ها، چگونگی برقراری ارتباط موثر با دانش‌آموزان و ... بود.

من به‌عنوان یک معلم در مقطع پیش دبستان تا پیش از این با کامپیوتر و انواع نرم‌افزارهای آموزشی آشنایی کامل نداشتم و تصور می‌کردم به بیش از این میزان دانشی که دارم چندان نیازی نیست و روش‌های سنتی جواب‌گو خواهد بود! اما در این ایام با توجه به نیاز مبرمی که پیدا کردم درصدد یادگیری این مهارت برآمدم و توانستم با کمک و همراهی فرزندانم تا حدودی این نگرانی را کاهش دهم و رفته‌رفته مسلط‌تر عمل کنم که عدم تسلط بر چگونگی فعالیت در فضاهای مجازی و تولید و عرضه هم‌زمان محتوای آموزشی به چالشی جدی برای من تبدیل شده بود. در این ایام به‌منظور برقراری ارتباط موثر با دانش‌آموزان، بیش از پیش به مشارکت والدین نیاز داشتم. پس در وهله اول تمام تلاشم را کردم که با دادن اطمینان خاطر از کیفیت آموزش، در صدد ارتباطی هم‌دلانه با ایشان برآیم. در وهله دوم ایشان را به پذیرش شرایط جدید و استقبال از نگاهی نو به مساله آموزش، دعوت کردم تا بتوانم با تکیه بر هدفی مشترک و درک ضرورت این همراهی، تجربه‌های مان را با هم سهیم شویم. بدین منظور گاهی با ایشان گفت‌وگو داشتم و مطالب مفید را به اشتراک می‌گذاشتم. در وهله سوم چالش و یا بارش فکری درباره موضوعی خاص از دیگر راهبردهایی بود که فضای گفت‌وگو و نقد را بیش از پیش بین ما باز می‌کرد.

به تدریج با پیشنهادات و دریافت بازخوردهای صریح و صادقانه راه پیش‌رو برآیم روشن‌تر و از شدت نگرانی‌ام کاسته می‌شد. چون همه به این نتیجه رسیده بودیم که در حال تجربه موضوعات جدید هستیم و هم‌دلی و کمک به یکدیگر تنها اکسیر نجات برای این روزهای پرتنش و پرابهام است. تجربه آموزش در فضای مجازی همانند هر تجربه دیگری مزایا و معایبی دارد و من هم به‌عنوان معلم و هم به‌عنوان مادری که دو فرزند محصل دارد نظرات خود را در سه بخش مزایای آموزش، معایب آموزش و پیشنهادات ارائه می‌کنم:

برخی مزایای آموزش در فضای مجازی:

۱. کاهش اهمیت نمره:

به تصور برخی از کارشناسان، نمره ابزار مناسبی برای سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان است و می‌تواند عاملی برای یادگیری و تلاش بیشتر دانش‌آموز باشد. اما در این ایام تا حد زیادی از اهمیت نمره کاسته و

باعث شد اکثر دانش‌آموزان با احساس رهایی و در عین حال مسئولیت‌پذیری فارغ از انگیزه بیرونی در آموزش و یادگیری مشارکت کنند.

بر اساس باور شخصی‌ام، همواره در کلاس خودم سعی می‌کردم تشویق یا تنبیه در صورت لزوم همراه با انگیزه درونی باشد یعنی فرد با دیدن نتیجه عملش پی به درستی یا نادرستی کار خود ببرد. بنابراین در اکثر مواقع از ستاره‌دادن و تشویق‌های بیرونی خودداری می‌کردم که موجب از بین بردن تصور برتری یک دانش‌آموز نسبت به دیگری می‌شد و فضایی سرشار از هم‌کاری، کمک و دل‌جویی در ارتباط با هم را تجربه می‌کردند. هرگز فراموش نمی‌کنم روزی که دانش‌آموزانم برای انجام فعالیت کاردستی برای اولین بار پارچه را برش می‌دادند، سر پارچه‌ها را برای هم می‌گرفتند و چنان صمیمانه به هم کمک می‌کردند که لذت آن هنوز هم برایم تازه است. تجربه این ایام تائیدی بر باورهایم شد که آن چه انگیزه درونی انجام می‌دهد هرگز در پس انگیزه بیرونی رخ نخواهد داد و همواره این روش را علی‌رغم دیر بازده بودنش، انتخاب خواهیم کرد.

۲. مشارکت فعال والدین:

در این دوران، موفقیت در آموزش بسیار به مشارکت فعال والدین وابسته شد، فرصتی پیش آمد که ایشان بیش از پیش در جریان فرآیندهای آموزشی و همچنین محدودیت‌ها و امکانات موجود قرار گیرند و میزان همراهی اکثر آن‌ها افزایش یابد. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم برای برقراری ارتباط موثر با دانش‌آموزان به حضور والدین بیشتر نیاز داشتم. اما نگرانی‌ها و چالش‌های ایشان راهم‌درک می‌کردم. بنابراین گروهی تشکیل دادم تا در حد توانم پاسخ‌گوی سوال‌ها و ابهام‌های والدین باشم. این فضا کمک می‌کرد که از احساس سردرگمی و تنهایی والدین کاسته شود و از تجارب یکدیگر نیز کمک بگیرند، در راستای همین ارتباطات والدین متوجه شدند بسیاری از مسایل بین خانواده‌ها مشترک است که باعث دلگرمی و امنیت خاطر آن‌ها شد و آرام‌آرام توانستند با آگاهی و دید بازتری با من و فرزندان‌شان همراه شوند. نکته مهم دیگر آن بود که این فضا توانست به‌عنوان محیطی ارزش‌مند و امن برای طرح مسایل تربیتی کودکان نیز دارای کارکرد شود.

۳. ایجاد فضایی هم‌دل و صمیمی میان کادر آموزشی:

شرایط پیش‌آمده فرصتی فراهم آورد تا تمامی کادر آموزشی به‌صورت یک‌دل، یک‌زبان و با هدفی مشترک در جهت رفع نیازهای پیش‌آمده گام بردارند. برای من جای بسی خوشحالی است که رویای چندین ساله‌ام به حقیقت پیوست. زمانی که برای هر درس و موضوعی مشخص و به‌منظور کیفیت بهتر، کلیه معلمان فارغ از حس رقابت با هم‌دلی و همراهی تجربیات خود را به اشتراک می‌گذاشتند و در مورد کارها و فعالیت‌های یکدیگر اظهارنظر می‌کردند تا به نتیجه مطلوب برسند. کار در چنین فضایی آرامش خاطر بیشتری برایم به همراه داشت.

۴. یادگیری به‌صورت فعال و خودانگیزخته در دانش‌آموزان:

سوال مهم این است که آیا می‌توان بدون دادن حق انتخاب شخصی به افراد انتظار مسئولیت و تعهد از آن‌ها داشت؟ در آموزش حضوری دانش‌آموزان ما بدون داشتن حق انتخاب ملزم به پذیرفتن چارچوب‌های حاکم بر فضای آموزش هستند.

حضور به موقع در مدرسه، برنامه درسی معین و ثابت، پوشیدن لباس مدرسه، نشستن در جایی تکراری در کلاس و ... از جمله مواردی است که دانش‌آموز هیچ نقشی در شکل‌گیری آن‌ها ندارد و اگر هم بخواهد بر اساس نیاز و خواسته درونی خود عمل کند، مورد عتاب قرار خواهد گرفت. درست است که تمام این‌ها تصمیماتی هستند که برای نظم و در نهایت بهره‌وری بیشتر گرفته شده‌است اما باید بپذیریم در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نه تنها تأمین‌کننده هدف موردنظر نخواهد بود بلکه دانش‌آموزان را به‌طور کلی از حضور در مدرسه دل‌زده کرده و انگیزه تحصیل و یادگیری را در آن‌ها کاهش می‌دهد.

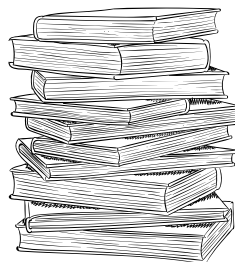
اما شرایط موجود برای من فرصتی فراهم آورد تاملی بر قوانین و چارچوب‌های همیشگی داشته باشم و کارکرد آن‌ها را بازنگری کنم تا در صورت نیاز بتوانم در حیطه اختیاراتم تغییراتی ایجاد کنم. همیشه در تلاش بودم تا در حدود اختیاراتم به دانش‌آموزان حق انتخاب دهم. شاید بیان تجربه شخصی خودم به شفاف‌تر شدن موضوع کمک کند. دانش‌آموزی داشتم که به گفته مادرش، متخصص مربوطه وی را بیش‌فعال تشخیص داده بود و مشاهدات من نشان می‌داد که آستانه تمرکز و دقت او پایین است. جلب توجه او برای من کار دشواری بود. از آنجایی‌که به کرات نیاز به خروج از کلاس داشت، علی‌رغم مخالفت برخی از مسئولین مدرسه به تشخیص و مسئولیت خود به او اجازه خروج از کلاس را می‌دادم چون معتقد بودم وی حق دارد ماندن یا نماندن در کلاس را انتخاب کند. با دادن این حق، به مرور زمان به عواقب ناشی از عدم حضورش آگاه و متوجه شد با بیرون رفتنش فرصت‌هایی را از دست می‌دهد. گرچه فرآیند اعتمادسازی دو ماه به طول انجامید اما بدون اجبار و تحمیل از طرف من، نیاز او به آزادی و نیاز من به بهره‌وری در کلاس دیده شد و هر دو درصدد برآوردن آن برآمدیم. کم‌کم او از جمله دانش‌آموزانی شد که موقع تدریس تمام حواس خود را به درس و کلاس می‌داد.

به اعتقاد من تا فرد نخواهد و به شکل فعال درگیر یادگیری نشود، یادگیری واقعی محقق نمی‌شود. به این ترتیب آموزش در فضای مجازی فرصتی فراهم آورد تا دانش‌آموزان بتوانند متناسب با شرایط و نیاز خود و فارغ از قوانین آموزش حضوری از یادگیری لذت بیشتری ببرند. اکنون این امکان را پیدا کردند تا به ترتیب علاقه‌مندی‌شان، هر زمان آمادگی دارند به فعالیت آموزشی بپردازند و کلیه تکالیف خود را انجام دهند.

۵. انجام باکیفیت‌تر پروژه‌ها با تاکید بر دسترسی به امکانات تکنولوژیکی:

در زمان آموزش حضوری با کمبود امکاناتی در مدرسه از جمله تخته هوشمند، تلویزیون و ... در هر کلاس به‌صورت مجزا، روبه‌رو بودیم که آموزش را دچار مشکل می‌کرد. فضای مجازی موجب شد تا دانش‌آموزان با راحتی و دسترسی بیشتر به امکانات، خلاقانه‌تر در بحث پروژه‌های کلاسی مشارکت کنند. به‌طور مثال در فضای حضوری کلاس، مشاهده فیلم یا جابه‌جایی آن بر روی فلش توسط خانواده‌ها، با دردسرهایی همراه بود و بعضی مواقع تهیه عکس‌های مربوط به پروژه از عهده خانواده خارج بود اما در فضای مجازی هر لحظه این امکان وجود داشت که در رابطه با موضوع پروژه فیلمی را تهیه کنند و به راحتی در گروه به اشتراک بگذارند مثلاً برای غنی‌تر ساختن کار خود به راحتی از محل بیلاق خود، حیاط منزل یا گلدانی که در خانه داشتند،





فیلم یا عکس تهیه می کردند و می فرستادند. نکته جالب دیگر این که برخی از بچه‌ها دیگر خجالتی نبودند و بیش از پیش مشارکت می کردند، در مورد فیلم‌ها و عکس‌ها نظر می دادند و از هم تشکر می کردند. این چنین بود که کارهای پروژه‌ای بهتر از قبل انجام می شد.

برخی معایب آموزش در فضای مجازی:

۱. کاهش میزان کیفیت روابط انسانی در آموزش مجازی: با توجه به این که رویکرد شخصی من در کار بیشتر بر محور ارتباط صحیح، عمیق، هم‌دلانه و موثر است، حضور در فضای مجازی برایم کمی نگران‌کننده بود زیرا معتقدم ارتباط موثر در بستری از فعالیت‌های مشارکتی و هم‌کاری شکل می‌گیرد و بارها شاهد این تجربه به طرق مختلف بودم که انگیزه‌های تحصیلی، پیشرفت‌های آموزشی، روابط عاطفی، مهارت‌های زندگی و ... به صورت غیرمستقیم ارتقا می‌یابد.

به همین منظور برای رفع این مشکل در فضای مجازی گروهی غیردرسی برای بچه‌ها تشکیل دادم که در آن از طریق تماس‌های تصویری، احوال آن‌ها را جویا می‌شدم. هم‌چنین برای انجام کارهای گروهی، بچه‌ها را گروه‌بندی کردم تا به تعاملاتشان ادامه دهند و نتیجه کارشان را در گروه آموزش بگذارند. اما باید بپذیریم که حتی با چنین راهبردهایی کیفیت روابط انسانی به میزان حضور در مدرسه نرسید.

۲. اختصاص زمان بیشتر به فعالیت کاری برای معلمان:

از آن جایی که در آموزش آنلاین قادر به دیدن عکس‌العمل تک‌تک بچه‌ها نبودم، در مورد کیفیت آموزش و اثربخشی آموزش‌م تردید داشتم. از همین رو با خانواده‌ها تعاملات بیشتری برقرار کردم تا بتوانم بازخورد لازم را دریافت کنم و هم‌چنین پاسخ‌گوی مشکلات ایشان باشم. چون برای اولین بار چنین شرایطی را تجربه می‌کردم به اندازه آموزش حضوری قادر به مدیریت زمان نبودم و این تسلط را نداشتم که هم‌زمان به تولید محتوا و ارائه آن بپردازم. از طرف دیگر بسیاری از نرم‌افزارها را برای بار اول تجربه می‌کردم و آشنایی لازم را نداشتم. مجموع این عوامل باعث می‌شد تا زمان بیشتری را صرف انجام کار آموزشی کنم. اما به تدریج با هم‌کاری و همراهی دانش‌آموزان و والدین‌شان توانستیم به نظم و ساعتی مشخص دست یابیم و این مشکل را حل کنیم.

۳. عدم آشنایی با فضای مجازی و نرم‌افزارهای تخصصی:

این که هم‌زمان هم باید محتوای مناسب برای آموزش تهیه می‌کردم و هم بر چگونگی ارائه آن مسلط می‌شدم، برایم چالشی بزرگ بود که علی‌رغم توفیقات نسبی که کسب کردم هنوز هم مثل بسیاری از هم‌کارانم با این مشکل دست به گریبان هستم.

۴. محدودیت در ارائه برخی آموزش‌ها:

از آن جایی که تولید محتوا و طرح درس برای آموزش در فضای مجازی به واسطه عدم ارتباط مستقیم با دانش‌آموز، متفاوت از حضور فیزیکی است در نتیجه برای تسلط کافی در این امر هنوز نیاز به مهارت بیشتری دارم زیرا در بعضی از بحث‌های آموزشی نیازمند ابزار خاصی هستیم. برای نمونه به وسایلی چون مولاژ بدن، کره جغرافیا، آهن‌ربا و ... نیاز داشتم که در دسترس همه بچه‌ها نبود و این کار را دشوار می‌کرد.

۵. هنجارشکنی‌ها در فضای مجازی و دسترسی به فضای خصوصی والدین:

از جمله معایب دیگر آموزش‌های مجازی، دادن موبایل یا

کامپیوتر شخصی والدین به دانش‌آموزان است که امکان حضور ایشان در فضاهای مجازی غیر درسی، از جمله نگرانی‌های اکثر والدین به شمار می‌آید. در این باره با والدین گفت‌وگو کردیم و به دنبال راه‌بردهایی مناسب بودیم اما هنوز هم باید در مورد آن بررسی‌های بیشتری انجام دهیم. زمانی این چالش به صورت جدی مطرح می‌شود که تا قبل از این دوران به فرزند اجازه حضور در چنین فضاهایی را نمی‌دادیم ولی اکنون به یک‌باره این مجوز را به او دادیم. بنابراین بچه‌ها یک‌دفعه با آزادی عمل زیادی قبل از این که نسبت به خطرات و حیطه اختیارات خود آگاهی کامل پیدا کند، روبه‌رو شده‌اند.

برخی پیشنهادات برای آموزش در فضای مجازی:

۱. بازه‌های زمانی:

با توجه به این که آموزش در فضای مجازی یک نوع دور کاری محسوب می‌شود ابتدا به مشکل آسفتگی در کارها دچار شدم چراکه مرز بین زندگی شخصی و کاری را نیز به هم زده بود. راه‌کاری که توانست به حل این مشکل کمک کند اختصاص زمان مجزایی برای هر فعالیت در خانه بود؛ با هماهنگی سایر اعضای خانواده زمان‌هایی جهت استفاده از سکوت منزل، فعالیت کاری، بودن در کنار اعضای خانواده، فعالیت‌های شخصی، تجدید قوا و دیگر کارها در نظر گرفته شد.

۲. تعیین اهداف:

اعلام علنی اهداف روزانه به ذی‌نفعان (در امور کاری به مسئولین مربوطه و در امور منزل به اعضای خانواده)، تا تعهدی باشد که این روزهای بحرانی را هرچه بیشتر پربار کرده تا از رخوت و کسالت خارج شود.

۳. تنظیم برنامه‌ای معین جهت ارتباطات کاری:

لازم است بین هم‌کاران و مسئولین آموزشی، برنامه ارتباطی منظمی وجود داشته باشد تا بتوانند درباره انتظارات خود، گزارش عملکرد و هرگونه مشکلی که ممکن است پیش آید، تعاملاتی داشته باشند.

۴. نظرات والدین:

• بیشتر والدین مایل هستند تا در صورت امکان به جای تهیه فیلم‌های آموزشی ضبط شده از ویدئو یا ویدئو کنفرانس استفاده شود یا حداقل ویدئوهایی که بر اساس شیوه و روش و صدای معلم کلاس باشد تا رغبت بیشتری در بچه‌ها ایجاد کند. البته برخی نیز اظهار داشتند که آموزش از طریق فیلم‌های ضبط شده باعث می‌شود تا دانش‌آموزان به تعداد دفعات مورد نیاز و با فراغ‌خاطر از آن‌ها بهره ببرند؛

• تماس‌های تصویری مکرر بسیار مثرتر است؛

• اختصاص زمانی مشخص برای هر دانش‌آموز با توجه به توانمندی شخصی وی؛ (به منظور تشویق یا تمرین)

• آزادی عمل بچه‌ها در انتخاب وقت و زمان لازم برای انجام تکالیف در چارچوب توافقی که با والدین صورت گرفت.

این روزهای پرابهام می‌تواند با توجه به نوع نگاه ما، به روزهایی پرامید، پرتلاش و پربهره تبدیل شود. روزهایی که هر یک از ما هم‌چون دوران کودکی خود دانش‌آموز شده‌ایم، آزمون و خطا و تجربه‌های نو کسب می‌کنیم. روزهایی که ما را وادار کرده است تا در داشته‌های دیروز خود بازنگری کنیم و کوله‌بار خود را برای آینده مجهز کنیم.